

تسلیم بزرگ



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

تسلیم بزرگ نه نظامی است و نه ربطی به جنگ و کنار گذاشتن اسلحه و مهمات دارد. ممکن است بدون جنگ و جدال بسیاری از افراد جامعه تسلیم شده باشند. در نمایش‌نامه ننه دلاور و فرزندان او نوشته برتولت برشت، تسلیم بزرگ یعنی از دست دادن بلندپروازی‌ها، تخیل‌ها و شور و نشاط. تسلیم بزرگ یعنی آرزوها فراموش شده است. ننه دلاور وقتی شعر تسلیم بزرگ را می‌خواند، آن را به معنی وابستگی به دیگران، کنار گذاشتن عزت نفس و از دست دادن اتکا به خود می‌داند. مسئله برتولت برشت در شعر تسلیم بزرگ، سازوکارهایی است که یک فرد مجبور به پذیرش الگوهای همنوایی و همسازي و در نتیجه وابستگی به دیگران می‌شود. ننه دلاور تصور می‌کند افراد به نام همنوایی، تمایز و عدم تقلید نیاز دارند اما اجبارها و الزام‌های زندگی افراد را مجبور به همنوایی و سر فرو آوردن در مقابل دیگران می‌کند و این همان تسلیم بزرگ است. از نظر ننه دلاور اتکا به نفس، بلندپروازی و تخیل چیزهای مثبتی هستند که باید دنبال شوند و زیان‌آور نیستند اما وقتی از دست می‌روند، زیان‌آورند. تسلیم بزرگ یعنی از دست‌رفتن شور و شوق و بی‌انگیزگی در دنبال‌کردن رؤیاها، زمانی که یکی می‌شوی مثل همه، به قول مارکس همه مثل یک گونی سیب‌زمینی.

چرا تسلیم می‌شویم، چرا آرزوهای بزرگ و رؤیاها را فراموش می‌کنیم؟ آیا یکی آنها را دزدیده است؟ جواب غم نان است، درگیر معیشت بودن و نیازهای اقتصادی ما را تسلیم می‌کند. دزد رؤیاها کسانی هستند که زندگی را پرهزینه و مشقت‌بار کرده‌اند. ننه دلاور می‌گوید بتر از کوه کندن، نگه دار کلاه خویش بودن. در جامعه‌ای که تأمین معیشت و تلاش برای بخور و نمیر همه زمان و تمرکز افراد را می‌گیرد، اغلب تسلیم می‌شوند. الزام‌های اقتصادی و معیشتی همه را هم‌وا و شبیه به هم می‌کند. هم‌نوایی اجباری یعنی از دست‌رفتن فردیت، شور و شوق، رؤیاها و تخیلات، در تنگناهای همیشگی معیشتی، استعدادهای تباه می‌شوند.

دوگانه فردگرایی و هم‌نوایی (هماندسازی اجباری) یکی از مهم‌ترین دوگانه‌های جامعه‌شناسی است. برخی متفکران از فردگرایی وحشت دارند و آن را منفی و تباه‌کننده همبستگی اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها فردگرایی رشد سرطانی دارد و خیر عمومی را نابود می‌کند. برخی متفکران دیگر در آثارشان نوشته‌اند، فردگرایی ترس ندارد، فردگرایی یعنی آزادی، حق انتخاب و خودشکوفایی. دورکیم، یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، تلاش کرده است تعادلی بین فردگرایی و همبستگی ایجاد کند. از نظر دورکیم، فردگرایی و تمایز اساس جامعه مدرن است اما افراد تمایزنافته به دلیل تخصصی‌شدن امور به هم وابسته می‌شوند که این وابستگی مثل گذشته به معنی حل و هضم شدن نیست.

به نظر می‌رسد برتولت برشت با طرح مسئله تسلیم بزرگ و نوع نگاهی که به آن دارد، متأثر از دیدگاه مارکس است. مارکس معتقد بود افراد نیاز به خودشکوفایی و خودفعلیت‌بخشی و بیان خود دارند. تجلی خود در قالب کار آزادانه و مستقل، نه تحت سلطه و وابسته به سرمایه‌داران محقق می‌شود. در دنیای سرمایه‌داری، کارگرانی که باید آزادانه استعداد و توانایی خود را در قالب آفریدن اشیا و کالاها متجلی کنند، اسیر معیشت و کار بکنواخت و استثمار شده‌اند. وقتی فرد به قول بلا، جامعه‌شناس آمریکایی، نتواند خودبینی داشته باشد و خود را شکوفا کند، گویی تسلیم شده است.

برخی جامعه‌شناسان مانند مرتون نگران ناهم‌نوایی افراد هستند. از نظر او ناهم‌نوایی یعنی آتومی، یعنی از دست‌رفتن زبان و علایق مشترک اما ننه دلاور قصه برتولت برشت تصور می‌کند ناهم‌نوایی یعنی امکان تجلی خود.

گروهی نگران جاشدن فرد از جامعه هستند و گروهی دیگر نگران از دست‌رفتن فردگرایی، هم‌نوایشن و سر تسلیم فرود آوردن، از تسلیم بزرگ، گویی آرزوها، تخیلات و استعدادهای افراد در خطر است.

ساختاری که غم نان ایجاد می‌کند، از نظر برتولت برشت نامناسب است و آرزوها را می‌کشد و همه را تسلیم معیشت می‌کند. وقتی بیشتر افراد جامعه در حال ... دو دهن هستند، تخیل و آرزویی وجود ندارد. اما ساختار مناسب، اقتصاد و معیشت را سامان می‌دهد و فضای آرامی ایجاد می‌کند تا افراد با آسودگی بیشتری آرزوها و استعدادهای خود را

دنبال کنند. جامعه‌شناسان مکتب فرانکفورت مسئله تسلیم بزرگ را به شکل متفاوتی مطرح می‌کنند.

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۱ ذی القعدة ۱۴۴۶
۱۹ می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۱۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه



در «شرق» امروز می‌خوانید:

بازگشت به عقب برای اسنپ، تپسی، ماکسیم و حمل‌ونقل هوشمند • گزارش حسابرسی یا آل‌بوم تکرار • بحران خاموش در دل بهشت زهرا

شرکت صافولا ۳۸ میلیون دلار سرمایه آورد و فقط طی سه سال ۳۷۰ میلیون دلار ارزش‌یارانه‌ای گرفت

تله سرمایه‌گذاری خارجی



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید عکس: علی شریعت‌آبادیان

پزشکیان در مجمع گفت وگویی تهران:

تحت هیچ شرایطی از حقوق خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم

یادداشت

تکرار ادعاهای ضدایرانی در نشست سران عرب در بغداد و سکوت مسئولان ایرانی



احسان هوشمند

ایرنا تنها با تیتیر تاکید بیانیه پایانی نشست سران عرب در بغداد بر حمایت از مذاکرات ایران و آمریکا و برجسته‌کردن بخش فلسطینی بیانیه و مصائب غزه و حتی منتشر نکردن بخش ضدایرانی بیانیه به بازتاب آن پرداخته است. مشخص نیست چرا خبرگزاری رسمی کشور یعنی ایرنا چنین چشم خود را بر بخش ضدایرانی بیانیه سران عرب در بغداد بسته است. آیا این سیاست رسمی اعلامی مسئولان بالاتر است؟ تسنیم به عنوان یکی از رسانه‌های وابسته به جریان

راست در ایران هم بدون هیچ اشاره‌ای به بخش ضدایرانی با تیتیر «مخالفت سران عرب با کوچ اجباری مردم فلسطین» به بیانیه پرداخته است. روزنامه جوان هم با نقل قول از تسنیم تنها مخالفت با کوچاندن فلسطینیان توسط اتحادیه عرب را برجسته کرده است. باشگاه خبرنگاران جوان و العالم به عنوان اجزای صداوسیما کشور هم با برجسته‌کردن بخش مربوط به فلسطین به بیانیه سران عرب در بغداد توجه کرده‌اند. روزنامه همشهری نیز با برجسته‌سازی مسائل غزه به بیانیه پرداخته‌اند. مشخص نیست چرا مقامات رسمی کشور و نیز

یادداشت

ناترازی انرژی در کشور، از چالش‌های مهم مدیریتی



کیکائوس پورایوبی

صرف برق بالا هستند که قطعی برق و آب در چند ساعت سلامت جسم و روان مردم را به هم می‌ریزد. (۳) کشورهای پیشرفته برای جذب توریسم سرمایه‌گذاری زیادی را در بخش‌های مختلف انجام داده‌اند. آیا ممکن است زرق‌وبرق‌های مکان‌های گردشگری و دیدنی را با چراغ‌های خاموش مدیریت کنند؟ درست است که اگر بتوان انرژی کم‌مصرف را در منازل و محل کار جایگزین کرد و سپس میزان مصرف را با گذشته ارزیابی کرد و پیشرفت کار را سنجید، آن وقت هنری است که در مدیریت انرژی انجام داده‌ایم. کار هوشمندانه کنونی محاسبه میزان پرتی انرژی در آب و برق و سپس پیداکردن دل‌حار عملی برون‌رفت از بحران است که باید منشور اصلاحات و اهداف وزیر نیرو قرار گیرد که درآن صورت نه‌تنها علما برای‌شان دعا خواهند کرد، اما کل مردم ایران عاگوای ایشان و اقدامات‌شان خواهند بود. امروز با تغییراتی که در اکوسیستم پیش آمده است، دیگر نمی‌توان دست به دامن آسمان و ابرها نشست. مدیریت صحیح، به‌کارگیری علم و دانش است و علم بشری تجربه‌های زیادی در این زمینه اندوخته است. شخصا مشاهده کردم که در یک برنامه تلویزیونی، زمانی که آقای عراقچی دبیر شورای روابط بین‌الملل بود، از پرتی آب در لوله‌های فرسوده کشور صحبت می‌کرد و می‌گفت در یک حالت خوش‌بینانه ۳۰ درصد آب شرب کشور از لوله‌های فرسوده در حال هدر رفتن است. خب، مدیریت جلوگیری این حجم از ضربه به منافع ملی برعهده کیست؟ در سال‌های زیادی که حجم بارش در کشور بالاست، میزان آبخیزداری ما تا چه اندازه است؟ هدر رفتن آب‌های روی‌زمینی و بهره‌برداری بیش از اندازه از آب‌های زیرزمینی اکنون در بهار ما را با چالش مواجه کرده است. گزارش‌هایی که مرتب مخابره می‌شود، استفاده از ماینرها با حجم زیاد از شبکه برق داخلی است. بانک مرکزی از طرفی استفاده از این دستگاه‌ها را ممنوع اعلام کرده و از طرفی می‌گویند دولت با گرفتن عوارض برای بسیاری استفاده از ماینرها را در این شرایط بحرانی انرژی آزاد گذاشته است. البته بماند آن دسته از کسانی که به صورت مخفیانه از این سیستم استفاده می‌کنند، زمانی که روزانه چندین میلیون لیتر سوخت در کشور به‌راحتی قاچاق می‌شود یا هزاران نفر انسان از آن طرف مرزها به کشور وارد می‌شود یا در سامانه شهری، طرحی تعریف و محدود می‌شود برای اینکه اتومبیل‌ها کمتر شهر را آلوده کنند، سپس همان طرح فروخته می‌شود، این اقدامات لطماتی اساسی به ساختار مدیریت کشور وارد می‌کند.

استراتژی پوتین در قبال ترامپ؛ بازی صلح و امتیازات اقتصادی

چشم‌انداز مبهم صلح

۵

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از روایت‌های متعدد شهروندان از افزایش سرعت و زورگیری در خانه، پیاده‌راه، خودرو و خیابان‌های پرتراфик

سارقان؛ کم‌سن‌تر خشن‌تر و بیشتر

۱۰

هشدار مدیران شهری پایتخت: تهران در آستانه فروریزختن مرزهای حریم

پایتخت بی حصار

۶

آیا اروپا می‌تواند به حصول توافق هسته‌ای ایران و آمریکا کمک کند؟

دیپلماسی به وقت اروپا

۳

علی لطیفی در گفت‌وگو با «شرق»

فوتبال ایران از نبوغ خالی شده است

۹

نقشه‌راهی برای توسعه هوش انسان‌محور در ایران

هوش، حرمت و هویت

۱۱

نگاه

مرگ یا کوچ از غزه

یادداشتی از محمود فاضلی

۱۲

یک قاب تجربه

خاموشی برق در تاریکی مدیریتی ایران را درباییم



جلیل‌سازگارنژاد

این چه رازی است که امسال بهار با تاریکی و خاموشی زوردرس همراه شده؟ بهار که همراه پیام‌آور رویش و شادابی و شوق زندگی بوده است، این بار در سرزمینی سرشار از منابع و ذخایر عظیم انرژی و ثروت‌های بی‌کران طبیعی خدادادی روشنایی شایسته را تجربه نمی‌کند! همگام با بهار ۱۴۰۴ و براساس سند چشم‌انداز ۲۰ساله قرار بود قدرت اول منطقه باشیم در فناوری و علم، در پویایی اقتصادی، اعتبار جهانی و رفاه و امنیت قابل قبول برای مردم. اینک در کجا ایستاده‌ایم؟ رتبه چندم در منطقه را داریم؟ ناترازی در گاز و آب و برق، تورم و گرانی افسارگسیخته، کاهش کارایی و بهره‌وری در بخش‌های اداری و صنعتی، مهاجرت گسترده نخبگان و... شاخص‌هایی است که رتبه ایران در منطقه را مشخص می‌کند. اما علل و عوامل این توقف و ایستایی یا به عبارتی پسرفت چیست؟ بدون تردید نقش تحریم‌ها، فراموشی و فقدان سرمایه‌گذاری و جابه‌جایی اولویت‌ها در زیرساخت‌های اساسی، بهره‌برداری ناروا و ناصواب از منابع طبیعی و تخریب محیط زیست و... در پیدایش وضعیت نامیدکننده امروز بسیار مؤثر است، «گرچه با رعایت انصاف و خطاهای پیش‌گفته و انتخاب مسیرهای اشتباه شاید بتوان گفت که صرفا در توسعه نظامی و قدرت دفاعی رتبه‌ای درخور داشته باشیم»، اما به نظر نگارنده در کنار چنین علل و عواملی، مهم‌تر از همه آنها علت را باید در ناترازی خرد و عقلتایت در مدیریت جست‌وجو کرد. در این باب صاحب‌نظران دلسوز و خیرخواه ملک و ملت و برخوردار از دانش و تجربه بارها نسبت به آزمون و خطاهای پیش‌گفته و انتخاب مسیرهای اشتباه هم هشدار داده‌اند و هم راهکار ارائه کرده‌اند که صدا البته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اخیرا دانشمند گران‌قدر و مینهن‌دوست دکتر حسین عیده‌تیریزی در یادداشتی دردمندانه به علل تصویر غیرقابل قبول امروز ایران در ناترازی‌ها پرداخته و طبیعانه و کارشناسانه با تشریح نظام حکمرانی کشور به‌ویژه در دوده گذشته، آن را تهی از مدیریت و تدبیر و خالی از صداقت و حکمرانی بایسته ارزیابی کرده و ...

۵
